

طبایع ملت فرانسه

نظر در اخلاق و عادات ملل دارای فوایدی است که در مدرسه بوسیله امر و نهی معلم نمیتوان بدان رسید، مقصود از تربیت و تعلیم چیست؟ معلوم است که تاسیس مدارس و معاهد تربیت فقط برای اینست که يك ملت بداند چگونه زندگی کند، اگر ما بتوانیم بسر ترقی ملل متمدنه و اخلاق و روش آنها بخوبی پی بریم مقیاسی برای تشخیص و تمیز تمدنها بدست ما میاید و بدین وسیله از خطر تقلید کور کورانه برکنار خواهیم ماند، این است که بی مناسبت نمی بینیم گاه کاهی مقالاتی بدین موضوع اختصاص داده هر دفعه بطور اختصار اخلاق و عادات یکی از مللی که تمدنشان چشمها را خیره کرده است شرح دهیم و اینک از ملت فرانسه شروع میکنیم، زیرا روابط معنوی ما با این ملت بیش از سایر ملل اروپاست و پیشروان ما میخواهند جامعه ایرانی را مثل جامعه فرانسه تربیت کنند، از منهج تعلیم - پرگرام - گرفته تا طرز لباس و خورد و خوراک همه را از فرانسویان تقلید میکنیم، این است که ما نخست اخلاق این ملت را تحت مطالعه قرار داده، میکوشیم با اخلاق ملت خویش مقایسه کنیم و مأخذ ما در این اطلاعات اقوال علمائی است که از روی علم و تحقیق سخن رانده اند

یکی از نویسندگان فرانسه میگوید «ملت ما بسکه حساس است شباهت بمرغی دارد که پیوسته در نشست و برخاست میباشد، ملتی است که معقول را دوست میدارد و بمنطق میل میکند، بعضی خیلی متدین و جماعتی سخت بی دین اند، گروهی کهنه پرست و برخی دشمن کهنه دیبانشند و بحدی برای تغییر عادات و نظامات قدیمه کوشش میکنند که پنداری مثل یمبران درسل از جانب خدا مأهورند، ملتی است عاشق حرکت طرفدار زندگی، دلباخته مال و شیفته کار، بقدری در طلب این ادور جد و جهد میکند که کاهی بحد افراط میرسد، میداند چگونه زندگی کند و چگونه دوست

بدارد . »

کوبا این وصف مطابق واقع و عین حقیقت باشد

فرانسوی میل دارد مقاصد خود را مکتوم بدارد ولی نه مثل یکنفر انگلیسی، بلکه با استهزاء و سخریه، این ملت همه چیز را استهزاء میکند، بطوریکه هیچ چیز از استهزاء و تحکم او جان بدرنمیبرد، مخصوصاً اولیای دولت و رجال حکومت که بیش از همه هدف این تیردلوذ میکردند

جرجی زبدان مینویسد: فرانسوی خیلی با نشاط و پشت کار است، باینمعنی خارج از وصف رو بکار میآورد و بخوبی آنرا بیابان میرساند، مخصوصاً دهقانان که همه با نشاط، چابک، قوی البنیه و با همتند، چنانکه در فرانسه یکقطعه زمین قابل زراعت یافت نمیشود که ناگشت باشد، کارگران و سایر طبقات نیز از ایشان کم نیستند، خلاصه این ملت در حرکت، در آمدورفت و در مسافرت، در کار و در سخن و آخر الامر در همه چیز نشاط و همت در وی نمایان است، یکنفر فرانسوی وقتیکه از قطار آهن پیاده شد بدون اندک کراهتی چمدان خود را در دست گرفته پیاده بمنزل میرود، خیلی باهوش و سریع الخاطر و سبک روح و حاضر جوابند گویند وقتی بسمارک وزیر مشهور آلمان بیاریس رفته خواست ذکاوت و سرعت جواب اطفال فرانسه را که شهرت دارد بیازماید، در یکی از معابر بچه فقیر را نزد خود خواسته گفت اگر بدون اینکه روی انگشتان پا بایستید سیکار را از دهن من گرفتید یک فرانک بشما میدهم، طفلک چون دید قامت بسمارک بلند است و دستش بسیکار نمیرسد بدون درنگ جواب داد که اگر شما بدون آنکه خم شوید توانستید انگشتان پای مرا بیوسید من دو فرانک بشما میدهم.

(عشق و جمال)

ملت فرانسه در جمال و زیبایی ذوق غریبی دارد و در اینمسئله هیچ ملتی بیابیه او نمیرسد، این قضیه در اهل پاریس که در انتخاب طرز لباس (مود) پیشوای جهانند بخوبی آشکار میگردد بواسطه اقتداریکه در این امر دارند چیزیکه فائز دارای حسن و زیبایی نیست طوری آنرا زیبا و تشنگ جاوه میدهند که آدم تحیر میماند، مثلاً یکن زن زشت صورت طوری آرایش کرده، موها را طوری مناسب با صورت صفا میدهد که زیبا بنظر میآید

در شانه کردن و صفا دادن مو ، انتخاب شکل ورنك كلاه طرق مختلفه دارند که با اختلاف شکل صورت و دهان و بینی تفاوت پیدا میکند ، خود آرائی (توالی) نیز باید مناسب با شکل صورت باشد انتخاب عبارات شیرین و کلمات مناسب نیز از جمله حب جمال خارجی است یعنی یکنفر فرانسوی همانطور که میخواهد خوش اندام باشد میکوشد که خوش صحبت و شیرین زبان باشد ، چیزیکه شاید بتوان بایشان ایراد گرفت اینست که فرانسویان بخلاف انگلیسان بظاهر بیش از حقیقت اهمیت میدهند ، مثلاً يك نفر فرانسوی وقتیکه دارای دکان کوچکی است طسوری اجناس خود را صفا می دهد که دکان بزرگ بنظر بیاید و مخصوصاً دیوار آنرا با آئینه می پوشد ، شاید این ظاهر داری و باصطلاح فرنگی مابان فوره‌الیته بازی که در ادارات ما موجود است نیز یکی از ارمغانهائی است که از فرانسه جلب کرده‌اند و از آنجائیکه گرم شده با آتش گرم تر از آتش میشود طوری در این قضیه از ایشان گذشته‌ایم که حقیقت را هیچ اهمیت نمیدهیم .

خلاصه ملت فرانسه جمال را میپرستند و باینواسطه عشق در آنجا از همه جا بیشتر است ، فرانسویان باحساسات عشق آمیز خود افتخار می کنند و آشنایان باخلاق و عادات ایشان حکایتها در این خصوص نقل می نمایند ولی با اینحال عشق در مسئله زناشویی کمتر راه دارد ، بلکه در آنجا نیز مثل مملکت ما رعایت مسائل مادی یا رضای پدر و مادر بیش از عشق و محبت میشود و بسا اتفاق میافتد که جوانان خوش اندام زیبا روی در مقابل مبلغ گزافی زنی غیر مطبوع را به همسری اختیار میکنند
(العروس شماره ۵ سال ۱۰)

(اقتصاد و نظافت)

ملت مقتصد هیچوقت اسیر نمیشود ، و همه متفق اند که ملت فرانسه این صفت را بحد کمال دارد ، هر زنی مجبور است که قبل از ازدواج اصول اقتصاد را فرا گیرد ، این مسئله در اهالی ده بیشتر دیده میشود ، دهقان فرانسوی گذشته از اینکه با کمال سادگی زندگی میکند ، زن و اطفال او

نیز هر يك بقوه خود كار ميكند، و هر كس مجبور است مقداری از دخل خود هر اندازه كم باشد پس انداز نماید، فرش، لباس، و همه چیز دهقان فرانسوی ساده است ولی بقدری پاکیزه است که شخص هر قدر متکبر و خود پسند باشد از استعمال ظروف او کراهت ندارد، البسه شان هم نظیف و پاکیزه میباشد البته این مسئله بواسطه تربیت و تعلیم زنان است و در هیچ مملکتی تا زنان تربیت نشوند پاکیزگی و نظافت در خانواده ها نخواهد یافت ولی در مملکت ما زنان که سهل است مردان نیز به کثافت عادت کرده اند، جویهای آب ما، کنار رود خانهای ما، معابر عمومی ما، همه وحشت خیز و نفرت انگیز اند بعقیده ما این دردی است که غیر از تعلیم عمومی درمانی ندارد

(وظیفه شناسی)

وظیفه شناسی یعنی آنچه را که شخص وظیفه خود می داند بدون بیم و امید انجام دهد، در هر ملتی این اخلاق بیشتر و پایه آن محکمتر باشد، روز کارشان بهتر و مملکتشان آبادتر میشود، امانت و درستکاریکه اساس داد و ستد مردم و یکنانه وسیله آبادی جهان است یکی از شمبات این صفت میباشد، بدبختی مملکت ما، فقر و پریشانی ما، خرابی ادارات ما، ناقص بودن معارف ما و بالاخره خواری و ذلت ما همه برای این است که این شاهباز همایون بال از مملکت ما پرواز نموده است، این صفت ستوده که بدون اغراق در هیچ يك از افراد ایرانیان نیست در اروپا بطور عموم وجود دارد منتهی دو ملت فرانسه و انگلیس چون رشیدشان بیش از سایرین است این درخت بهشتی در میان ایشان بیشتر ریشه دوانیده است

اعتماد - قیمت وقت - وفای بوعد

این خصال یعنی اعتماد افراد به یکدیگر عزیز شمردن وقت، پای بند بودن بقول و وفای بوعد نیز بحد کمال در این ملت موجود است و برای اینکه اعتماد ایشانرا بیکدیگر نشان دهیم يك حکایت از جرجی زیدان نقل میکنیم، مشارالیه در ضمن مقاله که راجع به نظام اجتماعی فرانسه نگاشته

میگوید: یکی از قضایائی که اعتماد افراد این ملت را بیکدیگر نشان میدهد این است که روزنامه فروشان مقداری روزنامه با جعبه کوچکی روی میزی کنار خیابان گذاشته پی کار خود میروند و هر کس میل دارد يك روزنامه بر داشته قیمتش را در جعبه میریزد، البته این صفت یعنی اعتماد افراد به یکدیگر اختصاص بفرانسه ندارد و در تمام اروپا شایع است، چیزیکه جای تأسف است این است که نه تنها اینگونه اخلاق حمیده و صفات پسندیده را ما فاقد هستیم، بلکه تصور میکنیم که تمام دنیا مثل ما دزد و دروغگو و حقه بازاند و هر گاه انسان با یکی صحبت از فساد اخلاق عمومی بمیان آورد جواب میدهد «ای بابا بشر تا بوده همین طور بوده و خواهد بود و بجان شما اهالی ممالک متمدنه از ما بد تراند» مضحك تر این است که بعضی ها تصور میکنند این اخلاق فرنگیان است که بما سرایت کرده و یکی دو نفر از رجال سابق که نسبتاً شرافت خود را حفظ کرده اند با چند نفر از شیادانی که غیر از عینک و کراوات بوئی از تجدد بمشامشان نرسیده است شاهد می آورند

۲۴۷

مسئله دیگری را که ما هیچ اهمیت نمی دهیم و در دنیا خیلی اهمیت دارد وقت است، یکنفر فرانسوی همانطور که راضی نیست وقت خودش تلف شود اوقات دیگران را نیز بیهوده تلف نمیکند، هر کدام از ما که با وزیر یا کسی که مرجع عموم است کار داشته با چشم خود دیده است که هر ایرانی فرصت یافت با وی خلوت کند با وجود بکه می بیند چندین نفر نشسته و منتظر نوبت میباشند تمام وقت آن بیچاره و منتظرین را با حرفهای باوه تلف میکند و از آنجائیکه اخلاق رك و صریحی در ما موجود نیست هیچکس جرئت نمیکند پوست کنده بوی بگوید: چرا بیهوده وقت مردم را تلف میکنید

صفت دیگری که اگر ما از فرانسویان تقلید میکردیم خیلی بجا بود وفای بوعد و یای بندی بقول است، این صفت نیز که مثل سایر صفات پسندیده خیلی کم در میان ما موجود است و مخصوصاً در طبقه راقیه! و متصدیان امور هیچ وجود ندارد در فرانسویان بحد اعلی موجود است و این هم یکی از شعبات وظیفه شناسی میباشد

(وطن دوستی)

کمان میکنم وطن پرستی فرانسویان محتاج بشرح نباشد جنگ عمومی بخوبی نشان داد که فرانسوی با وجودیکه خیلی نرم، شیرین زبان، عیاش و خوشگذران است در موقع دفاع از مملکت و آزادی خود خشن و درشت خوی میباشد هر گونه زحمت و مشقت را بر خود هموار میکند و آن دستیکه بکشور او دراز شود هر چند آهنین باشد خرد میکند

فرانسوی مملکت خود را از تمام ممالک بهتر و رجال خود را از همه بزرگتر میداند و نخوت ملی او بحد کمال است

افسوس که ما این خصال خوب را از ایشان یاد نمیگیریم و بلکه ملتفت هم نمیشویم و چیزیکه بنظر خیلی خوش آیند است و تصور میکنیم یکنه عامل ترقی ایشان بوده است رقص و عیاشی و میگساری است

(غذا و شراب)

فرانسویان بواسطه سردی اقلیم در خوردن گوشت و استعمال شراب افراط میکنند و باین واسطه الکلی درین ایشان زیاد است، این تنهاصفت بدی است که خوشبختانه ما کمتر از ایشان داریم ولی متأسفانه ملت ما به يك زهر کشنده تری معتاد است و آن تریاک میباشد، چیزیکه جای امید میباشد این است که طبقه تربیت شده و محصلین مدارس از استعمال آن خود داری میکنند و کم کم این عادت زشت از میان میرود

(عادات)

یکی از عادات ده نشینان فرانسه این است که هر خانواده در هفته يك مجلس میهمانی تهیه کرده و نو عروسان را در آن دعوت مینمایند، با وجودیکه از ازدیاد اطفال جلوگیری آنها را خیلی دوست میدارند، حب مناظر طبیعی و کلگشت کلستان بقدری بر قلبشان استیلا یافته است که صبح های یکشنبه از کثرت ازدحام جمعیت که بقصد بیرون رفتن از شهر بکار آمده اند در آنجا جای پا نیست، چیزیکه در آنجا خیلی جالب توجه است منظره اطفالی است که از فرط شغف و خوشحالی ولوله راه انداخته اند.

سكان فرانسه ۷۵ درصد در دهات و قری زندگی میکنند بخلاف انگلیس ها که ۷۵ درصد در شهرهای بزرگ زیست مینمایند فرانسویان عشق مخصوصی بهزراعت دارند، و بیشتر زندگانی خود را از این راه تأمین میکنند.

(ثروت)

از آنجائیکه در هر مملکتی ثروت در دست چند نفری جمع شود سایرین دوچار فقر و فلاکت میگردند در فرانسه قوانینی وضع کرده اند که مانع از اجتماع ثروت در دست يك یا چند نفر میشود و از آن جمله قانون ارث است، شخص در حیات خود میتواند بموجب دلخواه خود در اموال خود تصرف کند.

ضربات قلب

هر قدر جسم حیوان بزرگتر شود ضربات قلبش کندتر میگردد، مثلاً قلب فیل در هر دقیقه ۲۵ و قلب خر ۵۰ ضربت میزند، متوسط ضربات قلب مرد ۷۰ و ضربات قلب زن ۸۰ میباشد، کودک در هر دقیقه قلبش ۹۰ ضربت و قلب طفلی که تازه متولد شده است ۱۴۰ ضربت و قلب موش از ۱۵۰ تا ۱۷۵ ضربت میزند چهار ماه قبل از اینکه طفل متولد شود قلبش شروع بزدن کرده تا وقت مرگ متصل در زدن است، شخصی ضربان قلب آدم را از وقتیکه جنین بوده تا آخر عمرش حساب کرده و چهل میلیون نوشته است، هر گاه قلب کسی را از سینه اش خارج کرده در ظرفی که محتوی نمک و شکر باشد قرار دهند تا چند روز دیگر خواهد زد

تدوین قرآن

در سال یازدهم هجری بامر خلیفه اول قرآن از زبان قراء و روی استخوانها و چوب نخل جمع آوری گردید و در روی کاغذ نوشته شد، و خلیفه آنرا مصحف نامید محققین میگویند بزرگتر خدمتیکه ابوبکر باسلام نمود جمع و تدوین قرآن بود و الا مثل احادیث مسلمانان را دوچار اختلاف و تفرقه مینمود، و اگر در آن اوقات بجمع و تدوین احادیث نبوی میپرداختند امروز اینهمه اخبار و احادیث موضوع و دروغ که بزرگتر سبب اختلاف و تفرقه مسلمین است انتشار نداشت